

تحلیل روابط فرهنگی در پیکره‌بندی فضایی مسکن سنتی کردها مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهری منطقه موکریان (شهر سردشت)

الهام رشیدزاده^{۱*} (نویسنده مسئول)، فؤاد حبیبی^۲

^۱ استادیار گروه معماری، واحد سردشت، دانشگاه آزاد اسلامی، سردشت، ایران.
^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۰۵)

چکیده

فضا، یکی از مهم‌ترین مباحث معماری است که فرم، ساختار و سازماندهی آن به طور مستقیم با فرهنگ در ارتباط می‌باشد، در واقع وجوه و مؤلفه‌های فرهنگ در محیط ساخته‌شده، در قالب فضا متبلور می‌شوند. می‌توان گفت، معماری به واسطه‌ی زبان کالبد و فضا، قانونمندی‌های اجتماعی و فرهنگی نهفته در رسوم و عادات را سازماندهی می‌کند. بنابراین نحوه‌ی سازماندهی، انتظام و نوع فضاها و فرم ظاهری آن‌ها، علاوه بر اینکه معرف پیشینه‌ی فرهنگی و هویت ساکنان است، بر ساختار اجتماعی کاربر فضا نیز مؤثر می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی ماهیت معماری مسکونی منطقه کردستان مکری (موکریان)، با تأکید بر خصوصیات و ویژگی‌های فضای معماری و نحوه‌ی سازماندهی و انتظام آن، از منظر فرهنگ می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش کیفی قوم‌نگاری، کلیت فرهنگ کردهای مکری بر اساس متغیرهای ملموس‌تری که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند (سبک زندگی، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، حریمیت و فرایند روابط اجتماعی) در ارتباط با شکل خانه‌ها بررسی شده‌است. عملیات گردآوری داده‌های معماری (برداشت، تهیه پلان، کروکی و عکاسی) نیز با استفاده از روش میدانی در رابطه با شکل خانه‌های سنتی (خانه‌های شهری) شهر سردشت، واقع در شمالغرب ایران، به عنوان نمونه عمومی و مطالعاتی از مسکن شهری و معماری بومی منطقه کردنشین موکریان، انجام شده‌است. بنابراین به منظور تحلیل ساختار فضایی، الگوی چیدمان فضا و نمودار توجیهی آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار Agraph ترسیم شد. سپس شاخص‌های هم‌پیوندی، عمق نسبی و اتصال (کنترل) فضاها با استفاده از روابط ریاضی نحوفضا برای هر نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد، معماری سنتی منطقه موکریان، تلفیقی از معماری درونگرا و برونگرا است. در خانه‌های شهری این منطقه مسئله حریمیت، به واسطه فرهنگ خاص کردها، ساختار پیچیده‌ای دارد و اکثر فضاها بعدی عمومی دارند. جایگاه زن در خانه و سیستم خانواده از نظر تعداد همسر، اهمیت زیادی در شیوه‌ی سازماندهی فضا دارد که منعکس‌کننده رفتارهای برگرفته از فرهنگ، آداب و رسوم بومی و ساختار اجتماعی‌شان می‌باشند.

واژگان کلیدی: فضا، فرهنگ کردها، مسکن، خانه‌های سنتی (شهری)، سردشت.

مقدمه

رفتارهای روزانه که مبتنی بر کنش‌های متقابل انسان و محیط بوده، به همراه هنجارهای اجتماعی-فرهنگی، عامل مهم شکل‌پذیری معماری مسکونی است. ویژگی بارز معماری مسکونی بومی، مطابقت با نیازها و پاسخ به مسایل استفاده‌کنندگانی است که در بنای خود مداخله و مشارکت دارند. بنابراین انطباق شکل بنا با نیازهای فیزیکی و فرهنگی، سرلوحه شناخت ویژگی‌های این معماری است. می‌توان گفت «معماری، وسیله‌سنجش واقعی فرهنگ یک ملت می‌باشد» (گروت، ۱۳۸۶: ۵۳). برای بیان و توضیح شکل‌های مختلفی که مسکن پیدا کرده که هم‌زمان، پدیده‌ای پیچیده می‌باشد، ارائه‌ی یک دلیل واحد کافی نیست. بر طبق دیدگاه راپاپورت، شکل خانه تنها نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر عامل سببی واحد دیگری نبوده؛ بلکه شکل خانه، حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی-فرهنگی در وسیع‌ترین شکل آن می‌باشد که به واسطه‌ی شرایط اقلیمی (محیط فیزیکی که بعضی از چیزها را تسهیل و بعضی را غیرممکن می‌سازد)، روش‌ها یا شیوه‌های ساختمانی، مصالح قابل دسترس و تکنولوژی (ابزار لازم برای ایجاد محیط مطلوب) تغییر می‌کند. در نتیجه، نیروهای اجتماعی و فرهنگی را نیروهای اولیه یا اصلی و دیگر نیروها را، نیروهای ثانوی یا تغییردهنده می‌نامد (راپاپورت، ۱۳۹۲). با استناد به تحقیقات انجام شده در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر شکل خانه، فرهنگ در دسته‌ی عوامل اولیه و تعیین‌کننده در شکل کلی مسکن قرار می‌گیرد (Rapoport, 2000). همچنین الگوهای شکلی متفاوتی از خانه در نواحی با شرایط مشابه، از لحاظ وضعیت اقتصادی، اقلیم و تکنولوژی ساخت، ناشی از تفاوت‌های فرهنگی آن نواحی است (Kokurina, 2006). در واقع «مسکن یک ساختار فیزیکی است که می‌تواند بر اساس چارچوب‌های فرهنگی خاص، ساخته شده و مورد استفاده قرار گیرد و در نهایت، درک و تجربه شود» (Ruonavaara, 2018: 179). همچنین «تفاوت در کیفیت مسکن و شیوه‌های ساخت، نشان‌دهنده‌ی تفاوت در سطح ثروت و فرهنگ در میان جوامع مختلف است» (Dewilde&Soaita, 2019: 47). از آنجا که ساختن خانه، پدیده‌ای فرهنگی است، شکل خانه که عبارتست از فرم کالبدی و سازمان فضایی آن، شدیداً از محیط فرهنگی که خانه به آن تعلق دارد، تأثیر می‌پذیرد (راپاپورت، ۱۳۹۲). اما با توجه به گسترده‌گی مقوله فرهنگ، نیازمند محدودتر کردن این مقوله به وجوه یا ابعادی هستیم که ارتباط نزدیک‌تری با ساختار فضای معماری داشته‌باشد. پنج جنبه‌ی اصلی فرهنگ، که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند عبارتند از؛ شیوه‌ی زندگی (نحوه‌ی انجام فعالیت‌های اصلی در فضا، چرا که سبک زندگی به سیستم فعالیت‌ها می‌انجامد)، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، حریمیت و نگرش به خلوت و فرایند روابط اجتماعی (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۳۷-۱۴۰). از طرفی چارچوب نظری نحو فضا، رابطه بین شکل‌های سکونتی و نیروهای فرهنگی-اجتماعی را نشان می‌دهد (Fladd, 2017: 129).

در واقع نحو فضا تلاشی است در رابطه با این موضوع که وضعیت پیکره‌بندی فضایی، چگونه معنایی اجتماعی-فرهنگی را بیان می‌کند. به طور کلی، تحقیق حاضر به دنبال خوانش فرهنگی فضا در معماری مسکونی کردها می‌باشد، چرا که عدم توجه به بنیان‌های فرهنگی، به خصوص در حوزه مسکن که ارتباط مستقیم با فرهنگ ساکنین آن دارد و جایگزینی مسایل و موضوعات اقتصادی به جای توجه به کیفیت‌های فضای زندگی انسان، می‌تواند در چگونگی رفتار فضایی افراد (قلمروابی، شخصی‌سازی، خلوت‌گزینی و...) خلل ایجاد نموده و به تبع آن پیامدهای جدی برای فرد، خانواده و اجتماع داشته باشد.

پرسش‌های تحقیق

خانه بیشترین محل حضور انسان است و مهم‌ترین انتظاری که از آن می‌رود پاسخگویی به نیازها، باورها و ارزش‌های ساکنان آن است. خانه‌های سنتی ایرانی که نمونه‌ای از مسکن بومی هستند، از خصوصیات کالبدی و عملکردی متفاوتی برخوردارند. با تحلیل ساختار فضایی این خانه‌ها می‌توان به پیچیدگی‌های روابط اجتماعی و فرهنگی مستتر در ساختار و ویژگی‌های منحصر به فرد فضاها پی برد. اگرچه تمامی عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعه تأثیرات متقابل آن‌ها بر شیوه‌های طراحی و الگوی مسکن در هر دوره و تحول آن اثرگذارند، اما بر اساس نظریه راپاپورت و با این فرض که فرهنگ عامل اصلی و تعیین‌کننده در ظهور اشکال مختلف خانه در جوامع مختلف است، این تحقیق پاسخگویی به پرسش‌های زیر را هدف قرار داده است:

- عناصر محتوایی فرهنگی کردها در قالب سبک زندگی و متغیرهای اجتماعی در ارتباط با شکل و سازماندهی فضای خانه‌های سنتی منطقه موکریان چگونه است؟
- الگوهای فضایی و نحوه‌ی سازماندهی فضا، در معماری مسکونی کردهای این منطقه به تأثر از بینش و فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی آن‌ها چگونه و به چه شکلی است؟
- پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی منطقه موکریان از نظر معیارهای نحو فضا، به چه شکلی است؟

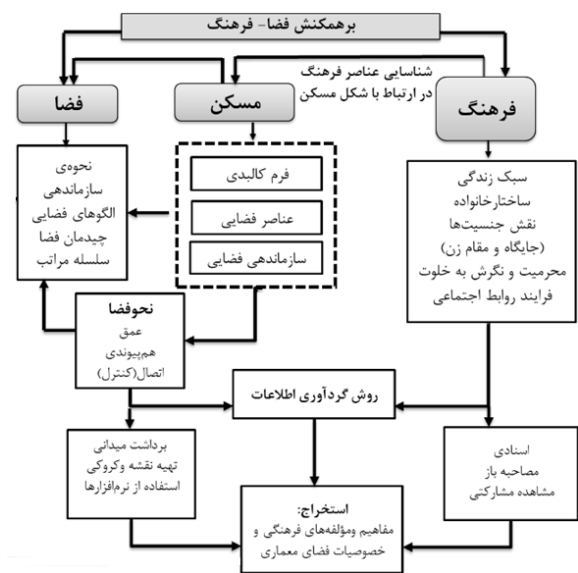
چارچوب نظری

از دیدگاه راپاپورت، مسکن بخشی از محیط ساخته‌شده می‌باشد که روابط میان افراد، افراد و اشیاء و اشیاء را در بردارد (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۲۰۲). برخی دیگر نیز معتقدند، مسکن مفهومی چندوجهی است که مفاهیمی مانند آسایش و امنیت، بیان هویت و پایگاه اجتماعی ساکنان و غیره را در برمی‌گیرد (Werner, 1986). همچنین نظریه پردازانی مانند الکساندر^۲ (۱۹۶۴)، راپاپورت^۳ (۱۹۶۹)، الیور^۴ (۱۹۷۵)، هیلیور و هانسون^۵ (۲۰۰۷) (و دیگرانی مانند شولتس^۶، اکو^۷ و مرسر^۸) با بررسی مسکن بومی، فرهنگ ساکنان را عامل اصلی و مؤثر بر چگونگی فرم مسکن و قانونمندی‌های روابط و عناصر آن معرفی کرده‌اند. بنابراین مؤلفه‌های فرهنگ، تحت عنوان ساختار

اجتماعی، نظام ارزشی، شیوه زندگی و سیستم فعالیت‌ها، عامل بنیادی در انتظام مسکن و ویژگی‌های فرهنگی افراد می‌باشد (Rapoport, 2005). راپاپورت، شرایط اقلیمی، روش‌های ساختمان‌سازی، مواد قابل دسترس و تکنولوژی را عوامل ثانویه یا تغییردهنده و عوامل اجتماعی- فرهنگی را نیروهای اصلی و تعیین‌کننده در شکل مسکن معرفی می‌کند (معماریان، ۱۳۹۳: ۳۱۴). در واقع آنچه که در شکل ساخته‌شده اهمیت دارد، نوع پاسخ و انتخابی است که ریشه در فرهنگ جوامع دارد. منظور از نیازهای اساسی که بر اساس فرهنگ‌های مختلف، پاسخ به آن‌ها نیز متفاوت می‌باشد، عبارتند از؛ میزان نور و روشنایی مطلوب، طریقه نشستن، شیوه‌ی غذا خوردن و آشپزی و... که بیانگر سبک زندگی هستند. (راپاپورت، ۱۳۹۲: ۹۹). از طرفی، وجوه و مؤلفه‌های فرهنگ در محیط ساخته‌شده، در قالب فضا متبلور می‌شوند و نحوه‌ی سازماندهی، انتظام و نوع فضاها و فرم ظاهری آنها، علاوه بر اینکه معرف پیشینه‌ی فرهنگی و هویت ساکنان است، بر ساختار اجتماعی کاربر فضا نیز مؤثر می‌باشند (پوردیهیمی، ۱۳۷۸: ۱۴). هنگامیکه محیط طراحی می‌شود، چهار عنصر فضا، زمان، ارتباطات و معنی سازماندهی می‌شوند. سازماندهی فضا عبارتست از: انتظام خصوصیات عناصر ثابت (پیکربندی و طراحی فضا) و عناصر نیمه‌ثابت (چیدمان و مبلمان فضایی) محیط ساخته‌شده (راپاپورت، ۱۳۹۲). از نظر راپاپورت، این سازماندهی بر جایگاه اجتماعی ساکنان و کاربری فضا تأثیر می‌گذارد و علت این امر را نیز این‌گونه استدلال می‌کند که تعاملات غیر کلامی افراد (عناصر غیر ثابت) بر اساس معانی فرهنگی و اجتماعی که خصوصیات فضا دارند، صورت می‌گیرد. از طرفی پنج جنبه‌ی اصلی فرهنگ، که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند عبارتند از؛ شیوه‌ی زندگی (نحوه‌ی انجام فعالیت‌های اصلی در فضا، چراکه سبک زندگی به سیستم فعالیت‌ها می‌انجامد)، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، حریمیت و نگرش به خلوت و در نهایت فرایند روابط اجتماعی (لنگ، ۱۳۸۱: ۱۳۷-۱۴۰). همچنین هیلیر و هانسون، با ارائه روش "نحو فضا"، بر انتظام خصوصیات و کاربری فضا به عنوان عاملی جهت شناسایی چگونگی رفتارها و فعالیت کاربران و تعامل آن‌ها با ساختارهای اجتماعی تأکید کرده‌اند (Hillier, 2007). بنابراین با استفاده از نظریه نحو فضا و ترسیم نمودار گرافیک فضایی، می‌توان الگوهای عمق، اتصال و هم‌پیوندی، را به منظور شناخت نحوه‌ی پیکره‌بندی و سازماندهی فضا بررسی نمود. مفهوم عمق، تعداد قدم‌هایی است که برای گذر از یک نقطه به نقاط دیگر باید طی شود و افزایش عمق فضا میزان تفکیک و جداسازی و در نتیجه حریمیت فضا را نشان می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). هم‌پیوندی هر فضا در پیکره‌بندی فضایی به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره‌بندی است. مفهوم اتصال یا به تعبیری دیگر ارتباط به معنی تعداد پیوندهایی است که بطور مستقیم بین هر فضا با فضاهای دیگر ایجاد می‌شود (Summers, 2015: 124). فضای معماری از دیدگاه معماران، تداوم سه بعدی فضا است که قابلیت تقسیم‌بندی و اندازه‌گذاری را دارد و می‌توان به روش‌های گوناگون آن را شکل داد، به طوری که در زمان، تجربه و حرکت بین

درون و بیرون درک می‌شود (کش، ۱۹۹۵: ۲۳). به طور خاص خانه در تمدن ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و خانه‌های سنتی و قدیمی ایران، شیوه زندگی و تفکر انسان‌ها را در زمان‌های مختلف به منصفه ظهور می‌گذارند. اجزای کالبدی این خانه‌ها در هر فضا شامل کف، جداره‌ها و سقف است. هر کدام از گونه‌های فضایی بر اساس وجود یا فقدان این عناصر تعریف می‌شوند در خانه‌های سنتی، فضای باز با تعریف کف و جداره تعریف می‌شوند، فضای نیمه‌باز با ادراک کف، سقف و تعریف خاصی از جداره قابل تشخیص است و فضاهای بسته هر سه عنصر کف، سقف و جداره‌ها را بطور کامل در معرض نمایش می‌گذارند (هدایت و طباطبائی، ۱۳۹۱). بر طبق دیدگاه آلمن منظور از فضای عمومی، فضایی است برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و برخوردهای غیر شخصی که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم و فضای خصوصی به عنوان انتخابی است که یک فرد نسبت به دسترسی دیگران به خود انجام می‌دهد (مدنی پور، ۱۳۸۹). در این پژوهش عرصه‌بندی فضای عمومی و خصوصی بر اساس نوع کاربری و عملکرد هر فضا به تنهایی به نسبت سایر فضاها و چگونگی و میزان دسترسی اعضای خانواده در مقابل افرادی غیر از اعضای خانه (یعنی غریبه و مهمان) تعریف شده است. در ارتباط با سوابق پژوهش می‌توان گفت توجه به تأثیر مباحث فرهنگی- اجتماعی در معماری موضوعی است که بسیاری از اندیشمندان این حوزه بدان پرداخته‌اند. این مطالعات عمدتاً بر رابطه فرهنگ و معماری تأکید داشته و بر اساس رویکردهای مختلفی نظیر پدیدارشناسی و معناشناسی به تبیین مفهوم فرهنگ و نسبت آن با معماری متمرکز شده‌اند (Dewilde & Soaita, 2019; Clarissa & Lorenzo, 2016؛ یاران و بهرو، ۱۳۹۶؛ نجار نجفی، ۱۳۹۴؛ یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲؛ عزیززی، دلپذیر و مقدم، ۱۳۹۱). در سال ۱۳۸۱، معماریان در مقاله‌ای تحت عنوان نحو فضای معماری، به معرفی این روش پرداخت. در سال ۱۳۹۱، کمالی‌پور و همکاران، در پژوهشی با استفاده از این مدل و با طبقه‌بندی شکلی مسکن بومی، به تحلیل روابط فضای مهمان با سایر فضاها در مسکن بومی کرمان پرداخته‌اند. کیائی و همکاران در سال ۱۳۹۸ با استفاده از تکنیک چیدمان فضا، میزان انعطاف‌پذیری خانه‌های سنتی شهر قزوین را بررسی کرده‌اند. این در حالی است که محققین متعددی در خارج از کشور، به منظور شناخت نحوه هماهنگ‌سازی مسکن با روابط اجتماعی و فرهنگی، به تحلیل پیکره‌بندی مسکن بومی مناطق مختلف، به روش نحو فضا پرداخته‌اند. ادکن در ۲۰۱۳، با استفاده از نحو فضایی، الگو و اصول سازماندهی فضایی را در خانه‌های بومی نیجریه استخراج نموده است. مصطفی در ۲۰۱۰، با هدف ارزیابی نفوذپذیری، رعایت حریم‌های فضایی و تأثیر چیدمان فضایی، با استفاده از روش نحو فضا، به مقایسه تطبیقی پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی روستایی و مدرن شهری در شهر اربیل عراق پرداخته است. بلا در ۲۰۱۳، به تحلیل نحو فضای مسکن بومی روستای موزانیت الجزایر پرداخته و نقش اعتقادات اجتماعی و فرهنگی و مذهبی مردم این روستا را در ساختار و پیکره‌بندی خانه‌ها بازایی کرده است. پژوهش‌هایی نیز در خصوص رابطه میان سبک زندگی و شکل مسکن در معماری ایرانی انجام شده است که در آن‌ها

به طور کلی شاخصه‌های مسکن ایرانی-اسلامی و نحوه‌ی عرصه‌بندی و سلسله‌مراتب فضاها بر طبق رعایت آموزه‌ها و ارزش‌های دینی بررسی شده‌است (شصتی و همکاران، ۱۳۹۶؛ کرانی و همکاران، ۱۳۹۳). در این پژوهش‌ها ویژگی‌ها و تفاوت‌های قومی و آداب و رسوم خاص خرده‌فرهنگ‌ها که ارتباط مستقیمی با سبک زندگی و خصوصیات فرهنگی آن جوامع دارند در نظر گرفته نشده‌است. همچنین در سالیان اخیر مطالعات درخور تأملی در زمینه شناخت و معرفی معماری غرب کشور، خصوصاً منطقه کردستان انجام شده است که در این پژوهش‌ها تأکید بر ویژگی‌های کالبدی معماری روستایی (خصوصاً روستاهای منطقه اورامان) و گونه‌بندی بر اساس ویژگی‌های شکلی و توپوگرافی منطقه بوده‌است (سالم، حسن‌پور و دژدار، ۱۳۹۸؛ مولانایی و سلیمانی، ۱۳۹۵؛ رضایی و کهزادیان، ۱۳۹۵؛ خدادادی، گرگانی و کریمیان، ۱۳۹۴؛ هاشم‌نژاد و مولانایی، ۱۳۸۷؛ ویسی، ۱۳۸۷). مطالعات ارزنده‌ای نیز با رویکردهای پدیدارشناسی و نشانه‌شناسی در زمینه معنای خانه‌های بومی و روستایی کردستان صورت گرفته‌است (گلایی و همکاران، ۱۳۹۷؛ حمه‌جانی، بایزیدی و سبحانی، ۱۳۹۶). با توجه به اینکه، تحقیقات انجام گرفته در زمینه معماری کردستان غالباً در مقیاس روستایی بوده‌است، لذا تفاوت این پژوهش با سایر مطالعات انجام شده در این زمینه اینست که، این پژوهش به بررسی ماهیت معماری مسکونی کردها از منظر فرهنگی در خانه‌های بومی شهری و همچنین رابطه فضا و فرهنگ و نحوه‌ی این ارتباط، که باعث بروز نتایج دقیق‌تر و کامل‌تری در حوزه شناخت ساختار فضایی معماری مسکونی می‌شود، در قالب بررسی پیکره‌بندی و نحو فضا در خانه‌های سنتی منطقه موکریان می‌پردازد.



تصور شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

در این تحقیق با توجه به هدف آن، از ترکیب روش کیفی و کمی استفاده شده‌است. در بخش کیفی به منظور استخراج عناصر محتوایی فرهنگ، با استفاده از روش قوم‌نگاری، ۲۵ خانه سنتی واقع در شهر سردشت (در این پژوهش، به دلیل محدودیت زمانی و گسترده‌گی میدان مطالعه، شهر سردشت به عنوان یکی از

شهرهای مرکزی و نیز قدیمی منطقه موکریان انتخاب شده‌است) به عنوان نمونه مطالعاتی، از میان اقشار مختلف جامعه و با وضعیت معیشتی متنوع انتخاب شده و با تعداد ۳۰ نفر از اعضای خانواده‌ها مصاحبه باز انجام شد. ملاک گزینش و انتخاب خانه‌ها، قدمت بنا و امکان برقراری ارتباط مستقیم با اعضای خانواده بوده‌است، که با توجه به اینکه نویسندگان خود ساکن و از اهالی سردشت می‌باشند، شناسایی و امکان ایجاد ارتباط با آن‌ها به صورت هدفمند فراهم شده‌است. قوم‌نگاری عبارت است از مطالعه مردم در محیط اجتماعی-طبیعی به وسیله ابزارها و روش‌هایی که بتوان به معنای اجتماعی و فعالیت افراد دست پیدا کرد (Hollway & Jefferson, 2002:4)، کلیت فرهنگ کردهای مکرری بر اساس متغیرهای ملموس‌تری که در شکل‌گیری فضای معماری مؤثرند (یعنی سبک زندگی، ساختار خانواده، نقش جنسیت‌ها (جا و مقام زن)، حریمیت و فرایند روابط اجتماعی) از طریق مصاحبه‌های باز، در قالب سئوالاتی واضح (با کسب اجازه از صاحبان خانه‌ها به منظور درج اطلاعات ذکر شده در پژوهش) از اعضای خانواده‌های ساکن در هریک از خانه‌ها پرسیده شده‌است، تحلیل داده‌های کیفی این بخش با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای انجام شده‌است. همچنین از داده‌ها و اطلاعات مشاهده‌ای نیز، جهت مستندسازی یافته‌ها و مباحث استفاده گردید. عملیات گردآوری داده‌های معماری (برداشت و تهیه پلان و...) با روش میدانی انجام شده‌است. همچنین در روش کمی و بخش تحلیل پلان‌ها و نقشه‌های خانه‌ها، به وسیله روش چیدمان فضا و با استفاده از نرم‌افزار Agraph، نظام فضایی معماری مسکونی این مناطق بررسی گردید، این نرم‌افزار با ترسیم نمودار گرافیک فضایی به منظور کشف الگوهای نهان موجود در یک محیط کالبدی، به مطالعه‌ی سازمان فضا و انتظام فضایی در آن محیط می‌پردازد (Kwon & Sailer, 2015). استفاده از روش چیدمان فضا، به کمک شناخت الگوهای عمق و هم‌پوندی جهت بررسی نحوه‌ی سازماندهی فضا، پژوهش حاضر را از بحث‌های صرفاً کیفی، فراتر برده و به وسیله ارائه اطلاعات کمی، تحلیل‌ها را وارد مرحله جدیدتر و قطعی‌تری می‌کند. نرم‌افزار Agraph، یکی از شیوه‌های جدید و ساده ترسیم و تحلیل گراف در نظریه نحو فضا می‌باشد و این روش، به عنوان یکی از روش‌های معتبر در پژوهش‌های معماری قلمداد می‌شود (گروت، ۱۳۸۴: ۳۱۰-۳۰۷)، همچنین اعتبار و آزمون‌پذیری این روش به دلیل کمی بودن آن کاملاً مشهود است. در خصوص جامعه آماری، خانه‌های قدیمی شهری که با مصالح بنایی و در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ ساخته شده‌اند، به صورت هدفمند با در نظر گرفتن این نکته که در این خانه‌ها، ساکنان اولیه‌ی بنا و یا نسل‌های بعدی و از اعضای همان خانواده، همچنان در این خانه‌ها سکونت دارند، در شهر سردشت شناسایی و انتخاب شده‌اند، تا به این ترتیب اطلاعات جامع و دقیقی نسبت به افراد ساکن، شیوه‌ی زندگی و فرهنگ خانواده به دست آید. بنابراین، علاوه بر حضور در فضا و انجام مشاهدات، مستندات و نقشه‌های برداشت شده ۲۵ واحد مسکونی تیپ غالب

جدول شماره ۱: پارامترهای چیدمان فضا

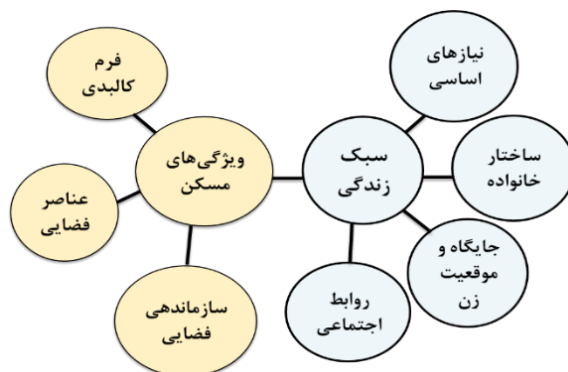
شاخص	تعاریف	رابطه
هم پیوندی نسبی فضا	شاخص روابط بین هر فضا و همه دیگر فضاها در طرح بندی است. این پارامتر بین صفر و یک تعریف می شود، وقتی این مقدار به یک نزدیک باشد، فضا یا مجموعه هم پیوندی بالاتری دارد و وقتی به صفر نزدیک باشد، افتراق فضا از سیستم بیشتر است (Hillier, 2006)	$i = 1/RA$
عدم تقارن نسبی فضا	میزان یکپارچگی یک هسته را مشخص می کند و عدد آن بین یک و صفر متغیر است، به نحوی که عدد کمتر نشان دهنده یکپارچگی بیشتر است. تقارن و عدم تقارن درباره پیوستگی / تفکیک است (بیشتر خصوصی / کمتر خصوصی) (Mustafa, 2012)	$RA = 2 * (MD - 1)/(k-2)$
عمق کلی	(Total Depth) یا عمق کلی یک هسته با نام n یا TD (n)، عبارت است از جمع کل کوتاهترین فواصل از آن هسته تا سایر هسته ها در یک سیستم، یعنی جمع کل خط n در ماتریس فاصله (Omar, Endut & Saruwono, 2012).	---
عمق متوسط	(Mean Depth) یا عمق متوسط هسته برابر است با متوسط کوتاهترین فواصل از هسته n، عمق متوسط میزان نفوذ پذیری هر فضا را مشخص می کند (Omar, Endut & Saruwono, 2012).	$MD(n) = TD(n)(K-1)$
کنترل	این پارامتر ارزش کلی هر هسته را در اتصال با هسته های دیگر نشان می دهد (Nilufar & Eshika, 2015)	$Cv = \sum ni = (1/Di)$

K، تعداد کل فضا در گراف است.
Di، در کتاب منطق اجتماعی فضا، به صورت جدول در آمده و می توان با دانستن تعداد فضاهای گراف، عدد مورد نظر را از جدول مربوطه استخراج نمود.

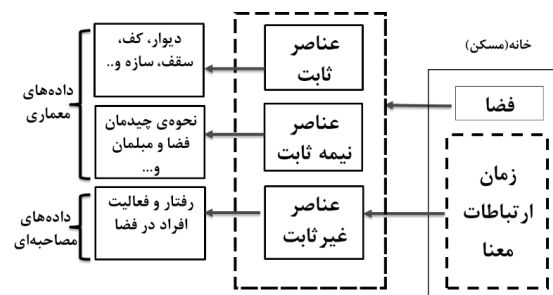
مورد بررسی جزء به جزء قرار گرفت و با اعضای خانواده های ساکن در هر یک از خانه ها، مصاحبه باز انجام شد، که البته در این پژوهش ده مورد از آن ها به عنوان نمونه آورده شده است. به منظور تعیین خانه ها و افراد مورد مصاحبه، از نمونه گیری کیفی - هدفمند و نیز برای تعیین حجم نمونه از منطق اشباع نظری، استفاده شده است. «اشباع بدین معنی است که هیچ داده تازه و مهمی به دست نیاید و مقوله ها به خوبی از لحاظ ویژگی ها و ابعاد پرورده شده باشند» (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۲۳۳).

فرهنگ و اصول فرهنگی ناحیه مورد مطالعه

تحقیق حاضر به مطالعه خانه های قدیم شهر سردشت، واقع



تصویر شماره ۲: دیاگرام ارتباطی ویژگی های مسکن و سبک زندگی



تصویر شماره ۳: مدل مفهومی داده های پژوهش

در منطقه کردستان موکریان، در شمالغرب ایران و استان آذربایجانغربی اختصاص دارد، این منطقه محل زندگی کردهای مکرری است که با لهجه ی سورانی، سخن می گویند. از نظر اعتقادی، پیرو دین اسلام و مذهب شافعی هستند و فرهنگ و آداب و رسوم این منطقه، ریشه در اعتقادات دینی و مذهبی آنان دارد و این اعتقاد نسل به نسل به ارث رسیده است (صمدی، ۱۳۸۵). جمعیت شهرستان سردشت بر طبق سرشماری سال ۱۳۳۵ (با توجه به اینکه پژوهش حاضر در رابطه با بررسی خانه ها در بازه ی زمانی (۱۳۵۰-۱۳۰۰) می باشد)، ۲۶۴۵ نفر بوده است (تقوایی و آکوچکیان، ۱۳۹۳). به طور کلی در بازه زمانی (۱۳۰۰-۱۳۵۰) جامعه کردستان، دارای ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی بوده است. از نظر اقتصادی سه سبک معیشت اقتصادی در شهر سردشت وجود داشته است که عبارت بودند از: دامداری - صنایع دستی، کشاورزی محدود و تجارت خرده پا. در حوزه نظام اجتماعی، خانواده رکن اساسی جامعه و نیز واحد تولید اقتصادی بوده است. ازدواج نه به معنای عاطفی آن، بلکه مبنایی به عنوان عامل پیوند دهنده بین خانواده ها، طوایف و نیز پایان دادن به خشونت ها و مسائل خانوادگی و قبیله ای بوده است و جامعه سنتی سردشت به شدت بر مناسک، تشریفات و نمادهای خود تأکید داشته است. از انواع لباس کردی زنانه و مردانه (لباس کردی زنانه، شامل پیراهن بلند کردی که در زبان محلی کراس می گویند، دستمال، شال کمر، کلاه و سرپند که با طلا و زیورآلات آراسته می گردد. لباس مردانه نیز شامل پیراهن مخصوص که در زبان محلی گوا می گویند، شلوار کردی یا پانتول، شال کمر و سرپند می باشد)، به عنوان پوشش رسمی زنان و مردان آن دوران می توان نام برد در گذشته مواد اولیه آن بیشتر از فرآورده های دامی، شامل پشم و پوست گوسفند و بز تهیه می شده است و امروزه در شیوه های دوخت و جنس پارچه، خصوصاً در مورد لباس زنان، تغییرات زیادی به وجود آمده است (محمدپور، ۱۳۸۳).

مطالعه موردی و یافته‌ها

ساختار کالبدی خانه‌های سنتی: منبع اصلی برای آشنایی با فرهنگ یا شیوه سکونت جوامع سنتی این منطقه و تأثیر آن بر شکل خانه‌هایشان، مشاهدات میدانی انجام شده در مناطق مسکونی محدوده تحقیق است.

در نتیجه‌ی این مشاهدات، عناصر معماری شکل‌دهنده‌ی این خانه‌ها را می‌توان در قالب مؤلفه‌های عناصر فضایی، سازمان فضایی و فرم کالبدی اینگونه توصیف کرد:
الف. عناصر فضایی: مهمترین ویژگی سازمان فضایی خانه‌های سنتی این منطقه، حضور همزمان دو گونه فضایی باز (حیاط و بام) و بسته (اتاق‌ها) است.

جدول شماره ۲: خانه‌های مسکونی قدیمی شهر سردشت (۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰)

گراف	الگوی سازماندهی عرصه عمومی عرصه خصوصی	ساختار فرمی (نسبت فضای باز و بسته)	پلان	توضیحات بنا
				بنای شماره ۱ نام مالک: احمدشادمان تعداد ساکن: ۱۰ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: دامدار-نانوا تعداد طبقات: ۲ سال ساخت: ۱۳۳۱ مساحت همکف: ۱۷۴/۰۸ مساحت طبقه اول: ۷۸/۲۵ مساحت کل: ۲۵۲/۳۳
				بنای شماره ۲ نام مالک: محمد محمودپور تعداد ساکن: ۵ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: نجار تعداد طبقات: ۲ مساحت همکف: ۱۰۶/۹۵ مساحت طبقه اول: ۱۰۱/۹۵ مساحت کل: ۲۰۸/۹۰
				بنای شماره ۳ نام مالک: عبدالله حسینیور تعداد ساکن: ۸ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: خواروبار فروش تعداد طبقات: ۱ سال ساخت: ۱۳۳۵ مساحت همکف: ۱۳۸/۴۶ مساحت طبقه اول: ۵۸/۹۲ مساحت کل: ۱۷۹/۳۸
				بنای شماره ۴ نام مالک: محمود محمودیان تعداد ساکن: ۷ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: تاجر تعداد طبقات: ۲ سال ساخت: ۱۳۳۹ مساحت همکف: ۱۵۹/۰۸ مساحت طبقه اول: ۷۴/۴۰ مساحت کل: ۲۳۳/۴۶

الگوی خطی

الگوی "۱" شکل

شکل ۱۱: الگوی

				<p>بنای شماره ۵ نام مالک: احمد منده تعداد ساکن: ۹ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: کارگر تعداد طبقات: ۱ سال ساخت: ۱۳۵۰ مساحت: ۱۰۲/۵۳</p>
				<p>بنای شماره ۶ نام مالک: محمد بیجاد تعداد ساکن: ۹ نفر تعداد همسر: ۱ شغل: کارگر تعداد طبقات: ۱ سال ساخت: ۱۳۳۲ مساحت: ۱۸۶/۳۲</p>
				<p>بنای شماره ۷ نام مالک: رشید رشیدزاده تعداد ساکن: ۱۳ نفر تعداد همسر: ۲ شغل: تاجر تعداد طبقات: ۲ سال ساخت: ۱۳۰۲ مساحت همکف: ۵۵۰/۴۱ مساحت طبقه اول: ۳۰۶/۲۰ مساحت کل: ۸۵۶/۶۱</p>
				<p>بنای شماره ۸ نام مالک: محمد اسدیپور تعداد ساکن: ۱۲ نفر تعداد همسر: ۲ شغل: تاجر تعداد طبقات: ۲ سال ساخت: ۱۳۴۲ مساحت همکف: ۴۴۱/۱۵ مساحت طبقه اول: ۱۴۳/۱۹ مساحت کل: ۵۸۳/۳۴</p>
				<p>بنای شماره ۹ نام مالک: محمود امینی تعداد ساکن: ۹ نفر تعداد همسر: ۲ شغل: دامدار (ساکن شهر) تعداد طبقات: ۱ سال ساخت: ۱۳۵۰ مساحت: ۲۳۶/۳۸</p>
				<p>بنای شماره ۱۰ نام مالک: امیر کمانی تعداد ساکن: ۷ نفر تعداد همسر: ۲ شغل: میوه فروش تعداد طبقات: ۱ مساحت کل: ۱۳۶/۵۴</p>

شکل ۱۲: الگوی

- فضای باز (حیاط و بام): حیاط، عنصر فضایی جدانشدنی از خانه‌های سنتی این منطقه می‌باشد، چرا که به دلیل نبود آب لوله کشی و سیستم گرمایشی و تهویه در گذشته (بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰)، کلیه فعالیت‌های روزمره‌ی زندگی از قبیل آشپزی، پخت‌وپز، شست‌وشو و حتی نگهداری مواد اولیه خوراکی در حیاط و فضای باز صورت می‌گرفته‌است، به طوریکه در اکثر موارد، در ابتدا فضای مطبخ یا آشپزخانه در پلان این خانه‌ها وجود نداشته و فعالیت آشپزی و سایر فعالیت‌های مربوط به آن مانند آسیاب کردن^۱ در حیاط و با درست کردن آتش و یا در اجاق‌های دیواری که "آگردان یا آورگ"^{۱۱} نام داشت و معمولاً تابستان‌ها از آن استفاده می‌شد و همچنین پخت نان در فضای بسته تنور (در گویش محلی تندور می‌گویند) واقع در حیاط صورت می‌گرفت. بعدها با پیدایش سیستم‌های مکانیکی و الکتریکی، آشپزخانه یا مطبخ به داخل خانه انتقال داده شده‌است (در زمان انجام این پژوهش و برداشت از این بناها، فضای آشپزخانه در این خانه‌ها تعبیه شده بود). همچنین حیاط به عنوان مکانی برای ارتباط با طبیعت و همسایگان و برقراری تعاملات اجتماعی نیز به کار می‌رفت. از طرفی بام (بام‌های این منطقه به صورت مسطح بودند) به عنوان یک مکان تعریف شده، فضایی مستقل برای تحقق عملکردها و ارتباط با همسایگان بوده‌است. به همین دلیل است که نسبت فضای باز و بسته در خانه‌های سنتی این منطقه تقریباً به نسبت مساوی می‌باشد (ستون ساختار فرمی در جدول شماره ۲).

- فضاهای بسته: فضاهای بسته یا داخلی خانه‌های سنتی، از یک یا چند اتاق، آشپزخانه (در مواردی بعداً اضافه شده‌است)، حمام و سرویس‌های بهداشتی تشکیل شده‌اند. اتاق‌ها، فضاهای بسته چندعملکردی هستند که تمام فعالیت‌های یک خانوار از قبیل غذا خوردن، خوابیدن، دور هم نشینی و... می‌تواند در آن‌ها انجام شود. از این رو، در جوامع سنتی این منطقه به مواردی از قبیل محل قرارگیری، اندازه و عملکرد اتاق در مقایسه با خانه‌های سنتی و بومی سایر مناطق ایران از جمله خانه‌های شمال و غرب ایران (یزدانفر، حسینی و زرودی، ۱۳۹۲؛ عبدالحسینی، ۱۳۹۰)، توجه زیادی نشده‌است. با توجه به این که اغلب خانواده‌های سنتی این منطقه، جزء خانواده‌های گسترده و دارای تعداد زیادی فرزند و در نتیجه پرجمعیت بودند، پیش‌بینی تعداد اتاق اختصاصی برای هر نفر امکان‌پذیر نبود. طراحی داخلی اتاق‌ها به صورت انعطاف‌پذیر و به گونه‌ای بود که نیاز تمام فعالیت‌های خانواده را پوشش دهد. فضای اتاق، امکان این را داشت برای زمان‌ها و عملکردهای خاص، هم فضای پذیرایی مهمان باشد و هم فضای خواب و یا اینکه با پهن کردن سفره، به فضایی برای غذا خوردن تبدیل شود. وجود طاقچه‌های متعدد برای اشیاء و لوازم کاربردی، گنجه‌های بزرگ در دیوار برای لباس یا رخت‌خواب، پشتی‌ها و تشکچه‌های متعدد برای نشستن در تمام اتاق‌ها و برخی از جزئیات تزئینی، حکایت از این نوع شیوه زندگی دارد. دیواخان^{۱۲} یا اتاق مهمان، مهم‌ترین فضای خانه به شمار می‌آمد که بهترین امکانات و وسایل تزئینی به

این اتاق اختصاص داشت. حمام و سرویس‌های بهداشتی از دیگر فضاهای بسته در خانه‌های سنتی بودند که به علت شرایط اقلیمی و نبود آب لوله کشی بیرون از خانه ساخته می‌شدند^{۱۳} و ساکنین شهر برای رفع نیازهای استحمام و... به حمام عمومی و سرویس‌های بهداشتی واقع در مساجد نزدیک به خانه مراجعه می‌کردند. بعدها، این فضاها با ایجاد سیستم لوله کشی، در گوشه‌های انتهایی حیاط تعبیه شدند، این امر ضمن کمک به حفظ پاکیزگی فضاهای داخلی، مانع انتقال رطوبت به اجزا و عناصر فضاهای داخلی و مستهلک شدن آن‌ها بود.

ب. سازمان فضایی: ویژگی‌های شاخصی که در رابطه با سازمان فضایی این خانه‌ها می‌توان مطرح کرد الگوی پلانی این خانه‌ها و روابط عملکردی آنهاست. با توجه به مشاهدات انجام شده، الگوهای غالب خانه‌های سنتی در این منطقه را می‌توان به سه الگوی "خطی"، "L" شکل و "U" شکل محدود کرد. در الگوهای مذکور، نحوه‌ی ارتباط بین فضای باز (حیاط) و فضای بسته، همچنین جهت‌گیری جبهه اصلی ساختمان که عمدتاً رو به جنوب و سمت قبله است، به جز مواردی که شکل و موقعیت زمین محدودیت ایجاد کند، اهمیت زیادی در شیوه‌ی سازماندهی فضا دارد، همچنین سیستم خانواده از نظر تک همسری یا چند همسری بسیار متفاوت می‌باشد، به نحوی که در خانواده چند همسری، خانه به دو یا چند قسمت تقسیم شده و هر همسر به نوعی حریم خود را داشته است و سازمان فضایی این نوع خانه‌ها بیشتر به صورت الگوی "U" شکل است. در رابطه با الگوی "L" شکل نیز مطابق اظهارات ساکنان خانه‌ها، الگوی خانه‌ها در ابتدا خطی بوده‌است و با گسترده شدن خانواده و ازدواج اعضای جوان خانواده، به تدریج به فضای اصلی خانه، اتاق‌هایی اضافه شده و منجر به تغییر الگوی خطی به الگوی "L" شکل، شده‌است. در خصوص نوع ارتباط عرصه‌ی عمومی و خصوصی در خانه‌های این منطقه، می‌توان گفت که نحوه‌ی سازماندهی این عرصه‌ها به صورت سلسله‌مراتبی نبوده و بیشتر تابع نیازهای عملکردی خود فضا بوده‌است، اتاق‌ها به صورت تودرتو بوده و در اکثر موارد، اتاق‌ها از طریق وجود دربی دیگر، به همدیگر راه داشتند. به دلیل چندعملکردی بودن و انعطاف‌پذیری فضا در موارد زیادی فضای مهمان، بنا به دلیل دسترسی آسان و بهره‌گیری از نور و یا وسعت فضا در نظر گرفته شده‌است و چه بسا در بعضی از خانه‌ها، این فضا در مجاورت و ارتباط مستقیم با آشپزخانه و یا اتاق‌های جانبی که بیشتر عملکرد اتاق استراحت و خواب داشته‌اند، قرار گرفته‌است. (ستون الگوی سازماندهی در جدول شماره ۲).

ج. فرم کالبدی: از جمله ویژگی‌های بارز فرم خانه‌های سنتی این منطقه استفاده از اشکال و هندسه‌های ساده و منظم، تناسبات انسانی و مصالح بومی و طبیعی در ساخت آن‌ها است (گلابی و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین معماری بومی این منطقه، تلفیقی از معماری درون‌نگرا و برون‌نگرا است. بدین معنی که در عین اینکه حیاط عنصر اساسی و جبهه‌ی اصلی خانه محسوب می‌شود و



تصویر شماره ۴: نمایی از بناهای شماره ۴ و ۷؛ تلفیقی از درونگرایی و برونگرایی در خانه‌های سنتی موکریان



تصویر شماره ۵: سازماندهی عناصر ثابت و نیمه ثابت

مردم و در نتیجه شکل خانه‌های آن‌ها داشته است. با بررسی پاسخ‌ها، مشخص شد وجوه و ابعاد مورد اشاره می‌توانند به عنوان مصداق‌هایی برای برخی از جنبه‌های سبک زندگی با سازماندهی فضا یعنی عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیر ثابت باشند.

تحلیل ساختار و پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی موکریان با استفاده از نرم افزار Agraph

در این تحقیق با ترسیم پلان ساده شده خانه، گراف نحو فضای آن تشکیل شده و سپس ماتریس نظیر آن، ترسیم گردید (ستون گراف در جدول شماره ۲). طیف رنگی موجود در گراف، از رنگ قرمز تا رنگ آبی تیره و بنفش متغیر بوده که نشان‌دهنده میزان هم‌پیوندی فضاها می‌باشد. هر چه یکپارچگی بیشتر باشد (RA=0) رنگ گره‌ها قرمز و هر چه یکپارچگی فضاها کمتر باشد (RA=1) رنگ گره‌ها به قرمز کم‌رنگ و زرد و در نهایت به بنفش خواهد رسید. با واکاوی ساختارهای فضایی موجود در این پلان‌ها با استفاده از نرم افزار Agraph، پارامترهای عمق کلی، عمق متوسط، هم‌پیوندی و کنترل محاسبه شده است.

الف) عمق فضاها

ایده اولیه عمق به عنوان تعداد قدم‌هایی که برای گذر از یک نقطه به نقاط دیگر باید طی شود، تعریف می‌شود. افزایش عمق فضایی، علاوه بر تفکیک و جداسازی به افزایش درجه "محرمیت"^{۱۵} نیز منجر می‌شود. به این معنی که عمق بیشتر مجموعه فضا، سلسله مراتب فضایی و کاهش میزان دسترسی و نفوذ به برخی فضاها را موجب می‌شود که این موضوع به کنترل هر چه بیشتر فضا می‌انجامد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴). عمق، بار معنای فرهنگی دارد. با افزایش عمق، فضا خصوصی تر شده و میزان نفوذپذیری به فضا کاهش می‌یابد. عمق نسبی میانگین میزان نفوذپذیری هر فضا را مشخص می‌کند که نتایج محاسبات این بخش در نمودار شماره ۱ مشخص شده است. براساس این نمودار، عمق کلی فضاها در خانه‌های سنتی به دلیل اینکه ورودی از سمت حیاط است، زیاد است ولی عمق متوسط هر فضا، بسیار کمتر بوده

بازشوهای خانه رو به سمت حیاط و حالتی درونگرا دارند اما به سمت بیرون هم بازشوهایی تعبیه شده است و همچنین بام خانه فضایی بسیار کاربردی بوده است، خصوصاً جهت برقراری ارتباط با همسایگان. سادگی فرم و عاری بودن از هرگونه تجمل و خودنمایی، از جمله ویژگی‌های کالبدی خانه‌های این منطقه است. در رابطه با ارتباط بین فرم کالبدی خانه‌ها و بستری که در آن بنا شده‌اند، سازندگان بیش از همه به مواردی از قبیل هماهنگی مصالح، رنگ و فرم‌های مورد استفاده با بافت زمینه و اقلیم منطقه توجه می‌کردند. بدین صورت که عمده مصالح مورد استفاده عبارت از سنگ، چوب، خشت و آجر می‌باشند که جزء مصالح بوم‌آورد محسوب شده و با توجه به وجود جنگل و کوهستانی بودن منطقه به راحتی نیز قابل تهیه بودند.

بحث و تحلیل یافته‌ها

با نگاهی به داده‌های ستون "توضیحات بنا" در جدول شماره ۲، که ویژگی‌هایی مانند تعداد اعضای خانواده، شغل سرپرست خانوار، تعداد همسر، تعداد طبقات و مساحت بنا را شامل می‌شود، می‌توان تا حدودی با وضعیت معیشتی و سطح اقتصادی و اجتماعی ساکنین خانه‌ها آشنا شد. مسلماً مقایسه داده‌های این بخش با جزئیات پلان‌ها، نشان‌دهنده تفاوت‌های معناداری در تنوع تناسبات پلان‌ها، تعداد فضاها (اتاقها)، زیربنای کل، تعداد طبقات و حتی تراکم و سرانه مسکونی در میان خانه‌های اقشار مختلف جامعه مورد مطالعه و با وضعیت معیشتی متفاوت است. با توجه به اینکه سبک زندگی برگرفته از فرهنگ و در ارتباط مستقیم با آن است، بنابراین نوع معیشت و وضعیت اقتصادی نیز، به عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های سبک زندگی در ارتباط با سازماندهی فضا (عناصر ثابت، نیمه ثابت و غیر ثابت) در جدول شماره ۳ بررسی شده است. همچنین طی مشاهدات حضوری و مصاحبه‌های انجام شده^{۱۴} با ساکنین خانه‌ها، به وجوه و ابعادی اشاره شد که تأثیر مستقیمی روی الگوی فعالیت‌ها و شیوه زندگی

جدول شماره ۳: مهمترین جنبه‌های سبک زندگی و سازماندهی فضا

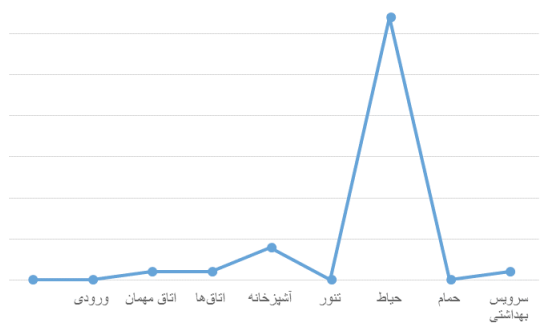
عناصر غیر ثابت	عناصر نیمه ثابت	عناصر ثابت	مهمترین جنبه‌های سبک زندگی
استفاده بهینه از نور آفتاب، به منظور ایجاد حداکثر روشنایی در فضای داخلی	کاربرد لبه پنجره به عنوان بخشی از مبلمان خانه (فضایی برای نشستن)	استفاده از پنجره‌های بزرگ و عریض، جهت گیری پنجره‌ها (رو به حیاط و رو به بیرون)، ارتباط مستقیم با حیاط	میزان نور و روشنایی مطلوب
خواندن نماز و انجام مناسک دینی در خانه توسط زنان و در مساجد توسط مردان	تمیز و مفروش بودن مکان اقامه نماز	وجود حوض در حیاط برای وضو گرفتن، در صورت وجود سرویس بهداشتی در خانه، توجه به جهت قرارگیری آن (رو به قبله نباشند)	باورهای دینی و اعتقادی
عدم وجود فضای اختصاصی برای غذا خوردن، پهن کردن سفره و دور هم نشستن، در بعضی از خانواده‌ها مردان قبل از زنان و فرزندان غذا می‌خورند.	استفاده از تنور و آتش‌دان - فضای آشپزخانه با مبلمانی ساده	- فاقد فضای آشپزخانه و آشپزی در حیاط، از طریق تهیه آتش (وجود فضای تنور) - فضای آشپزخانه در داخل خانه	آشپزی و شیوهی غذا خوردن
سادگی و بی‌پیرایگی، اهمیت جایگاه مهمان در خانه، وجود پدیده‌ی چند همسری و تعداد بیشتر فرزندان در خانواده‌های متمول‌تر	توجه بیشتر به تزئینات و مبلمان در فضای اتاق مهمان، (فرش دستباف، پستی، ساعت، رادیو و تلویزیون، تزئینات دکوری بیشتر روی طاقچه‌ها)	افزایش متراتر فضاها، تعداد اتاق‌های بیشتر و افزایش مساحت در خانه‌های متمول‌تر	نحوه‌ی خاص معیشت
امکان نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوار در فضای اصلی خانه، در کنار استفاده از مبلمان.	نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوارها و یا متکا و پستی، مفروش بودن کامل اتاق‌ها	پایین بودن ارتفاع سقف (تقریباً ۲۵۰ سانتیمتر)، پایین بودن دست‌انداز پنجره‌ها (تقریباً ۵۰ سانتیمتر).	طریقه‌ی نشستن
اهمیت نظافت و پاکیزگی و لزوم رعایت بهداشت	متفاوت بودن جنس مصالح در قسمت کفش کن و یا ایجاد پله اختلاف سطح، به منظور تفکیک فضا	وجود فضای کفش کن در بخش ورودی و فضای هال	ضرورت در آوردن کفش
اختصاص اتاق و یا اتاق‌هایی مجزا برای هر یک از همسران و فرزندان آنها. کنار هم خوابیدن فرزندان در کنار هم و یا در کنار مهمان. خوابیدن در پشت بام در فصول گرم سال	عدم وجود تخت‌خواب، وجود گنجه و طاقچه‌های عمیق در دیواره، به عنوان محل نگهداری رخت‌خواب، پهن نمودن رخت‌خواب در اتاق‌ها به ازای هر نفر،	چند عملکردی بودن اتاق‌ها و عدم وجود فضای اختصاصی اتاق خواب برای تمام اعضای خانواده،	طریقه‌ی خوابیدن
تراکم زیاد فضای اتاق‌ها و در کل فضای خانه، هماهنگی و تطابق فعالیت‌های روزمره اعضای خانواده	تفکیک اتاق همسران از طریق اختلاف طبقات و یا در دو سوی جبهه‌ی اصلی بنا	یکدست بودن سیرکولاسیون فضاها در داخل خانه‌های تک همسر، بخش بندی و تفکیک داخل خانه در خانواده‌های دو یا چند همسری	ساختار خانواده
استفاده از فضای حیاط (حوض آب) و فضای تنور برای مراودات و ملاقات زنان همسایه، عدم محدودیت زنان برای خروج از خانه	جایگاه شست و شوی لباس و ظروف و .. در اطراف چاه یا حوض آب در حیاط، رفتن به حمام و سرویس بهداشتی عمومی در خارج از خانه	اختصاص فضای آشپزخانه و تنور به زنان و عدم حضور مردان در این فضا، حضور مشترک زنان و مردان در سایر فضاها، عدم وجود حمام و سرویس بهداشتی در خانه	جایگاه و موقعیت زن در خانواده
اولویت دادن مهمان نسبت به اعضای خانواده، ایجاد فضای نیمه خصوصی برای خانواده	وجود حداکثر مبلمان و تزئینات در اتاق مهمان و تمیز و مرتب نگهداشتن همیشگی آن	اختصاص بزرگترین و در دسترس‌ترین اتاق خانه به فضای مهمان (اتاق مهمان)، حیاط به عنوان فضایی برای تعاملات و ارتباطات کوتاه‌مدت	روابط اجتماعی

از درجه اول اهمیت برخوردار نیست، حریم خصوصی (عرصه خانواده) و عمومی (عرصه مهمان) آنچنان که باید، تفکیک نشده‌اند.

و مقایسه این متغیر در فضاها مختلف خانه، نشان می‌دهد که عمق متوسط فضاها (MDn)، تقریباً یکسان بوده، بنابراین سازماندهی فضا در این خانه‌ها به گونه‌ایست که اکثر فضاها در ارتباط با هم و دارای عمق کم و در دسترس می‌باشند، از سلسله مراتب مشخص و سازمان‌یافته‌ای پیروی نمی‌کنند و از میزان نفوذپذیری بالایی برخوردارند. در این خانه‌ها اکثر فضاها به طور مستقیم با حیاط در ارتباط می‌باشند و با توجه به اینکه محرمیت با عمق فضا قابل بررسی است، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت، محرمیت در این خانه‌ها

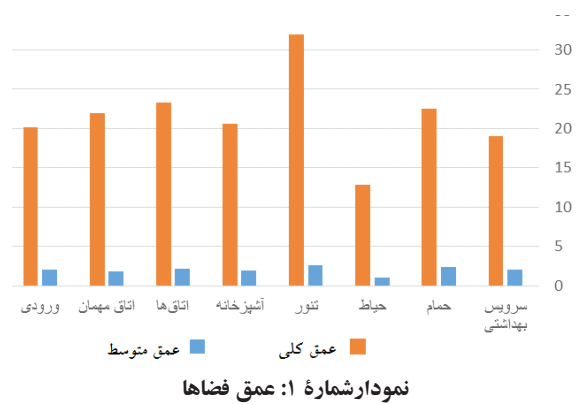
ج) اتصال (ارتباط- کنترل)

مفهوم اتصال یا به تعبیری دیگر ارتباط به معنی تعداد پیوندهایی است که بطور مستقیم بین هر فضا با فضاهای دیگر ایجاد می‌شود. اتصال فضاها با یکدیگر موجب شناخت فضایی مناسب و همچنین تسهیل در گردش و روابط میان فضاها می‌شود. این متغیر در ارتباط با هم‌پیوندی نیز می‌باشد. همچنین بوسیله‌ی این شاخص می‌توان میزان کنترل فضا را نیز مورد سنجش قرار داد، به این معنی که فضا با تعداد اتصالات کم دارای کنترل بیشتر به نسبت فضا با اتصالات زیاد است (Yu & Oswald, 2018: 739). هر چه تعداد اتصال هر فضا به فضاهای مجاور بیشتر باشد، آن فضا عمومی‌تر و هر چه این مقدار کمتر باشد، آن فضا خصوصی‌تر است. براساس یافته‌ها (نمودار شماره ۳) میزان اتصال در فضای حیاط بیشترین مقدار بوده و به تبع آن کمترین کنترل مربوط به این فضا است. ورودی، حمام و تنور نیز بیشترین میزان کنترل کمترین اتصال به دیگر فضاها را دارند چرا که این فضاها (تنور و ورودی) همیشه به طور مستقیم یا غیر مستقیم تنها با حیاط در ارتباط بوده‌اند و حمام نیز در اکثر موارد یا در آشپزخانه تعبیه شده‌است و یا در حیاط واقع بوده‌است. اتاق‌ها و اتاق مهمان نیز به دلیل ارتباط محدود با یکدیگر و تودرتو بودن (که از ویژگی‌های خانه‌های این منطقه است) دارای اتصالات کمتر و درجه کنترل بیشتری می‌باشند.



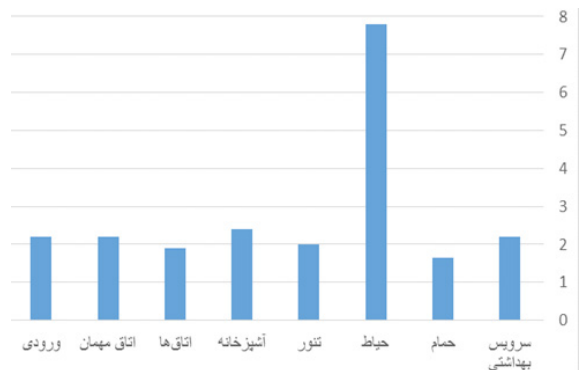
نتیجه‌گیری

اگرچه تمامی عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و مجموعه تأثیرات متقابل آن‌ها بر شیوه‌های طراحی و الگوی مسکن در هر دوره و تحول آن اثرگذارند. اما بر طبق گفته راپاپورت که فرهنگ می‌تواند عامل تعیین کننده و اولیه در شکل مسکن باشد، در پاسخ به سئوالات اصلی مطرح شده در این پژوهش، با تجزیه فرهنگ به سطوح ملموس‌تر، یعنی، سبک زندگی (فعالیت‌ها، الگوهای رفتاری، وضعیت معیشتی، نیازهای اساسی) و متغیرهای اجتماعی (ساختار خانواده، جایگاه و مقام زن، روابط اجتماعی) که جنبه‌های تأثیرگذار فرهنگ در ارتباط با سازمان فضایی خانه می‌باشند، کلیت فرهنگ کردهای منطقه موکریان در ارتباط با شکل خانه‌های سنتی شهری این منطقه بررسی گردید. نحوه‌ی



ب) هم‌پیوندی

هم‌پیوندی هر فضا در پیکره‌بندی فضایی به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره‌بندی است. مفهوم هم‌پیوندی به نوعی با مفهوم عمق ارتباط دارد؛ به این معنی که فضایی هم‌پیوند خوانده می‌شود که دیگر فضاهای محیط در عمق نسبتاً کمی از آن قرار داشته‌باشند (Summers, 2015: 124). این مفهوم با شاخص اتصال نیز دارای رابطه مستقیم و خطی است؛ به این معنی که هر چه تعداد ارتباط با یک فضا از جانب فضاهای مجاورش بیشتر باشد، آن فضا از هم‌پیوندی بیشتری برخوردار است. همچنین فضایی که دارای هم‌پیوندی بالا باشد، قابلیت دسترسی فیزیکی بیشتری دارد. بنابراین معمولاً فضاهای پر کاربرد در چنین موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند (Summers, 2015: 126). بر طبق واکاوی ساختار فضایی خانه‌های سنتی موکریان در نمودار شماره ۲ مشخص شد که حیاط پیوسته‌ترین فضا با بالاترین مقدار عدد در پیوستگی است که از آن به عنوان فضای حرکتی می‌توان یاد کرد که با اکثریت فضاهای طبقه همکف اتصال برقرار کرده‌است و فضایی مرکزی و شاخص در پلان خانه‌هاست. به طور کلی سایر فضاها، به دلیل ارتباط مستقیم با حیاط و دسترسی آسان به همدیگر، دارای پیوستگی تقریباً یکسانی هستند. می‌توان اینگونه بیان کرد که پیوستگی فضا، باعث کاهش گام‌های فضایی و عمومی‌تر شدن این فضاها می‌شود. فضای حمام^{۱۶} در این خانه‌ها جدا افتاده‌ترین فضا نسبت به سایر فضاهاست.



نمودار شماره ۲: هم‌پیوندی فضاها

این ارتباط، به دلیل حجم زیاد مطالب در قالب پاسخ توصیفی و جهت ایجاد اختصار، به صورت جمع‌بندی در جدول شماره ۴، بر اساس مهمترین جنبه‌های سبک زندگی در ارتباط با الگوی معماری خانه (عناصر ثابت و نیمه ثابت) و الگوی رفتاری و نحوه انجام فعالیت (عناصر غیر ثابت) به تفصیل ارائه شده است. همچنین در پاسخ به سؤال دوم، بر اساس تحلیل فضای معماری که هدف اصلی آن شناسایی الگوهای فضایی و نحوه سازماندهی

فضا، در معماری مسکونی کردهای این منطقه به تأثر از بینش و فرهنگ حاکم بر نظام اجتماعی و عرفی آنهاست، نتایج بیانگر اینست؛ الگوی معماری سنتی و بومی منطقه موکریان، تلفیقی از معماری درونگرا و بیرونگرا می‌باشد، بدین شکل که در خانه‌های قدیمی این منطقه، گفتگو و همزیستی میان درون و بیرون، در حیاط و در داخل خود خانه روی می‌دهد و به نوعی درونگرایی از طریق آوردن بیرون به درون دیده می‌شود. سازمان فضایی

جدول شماره ۴: نتایج پژوهش

الگوی مسکن (عناصر ثابت و نیمه ثابت)	الگوی رفتاری متأثر از فرهنگ (عناصر غیر ثابت)
<p>خانواده تک همسر</p> <p>گسترش خانواده، ازدواج فرزندان</p> <p>خانواده چند همسر</p>	<p>وجود سه گونه الگوی فضایی «خطی»، «L»، «U» شکل و در ارتباط با جایگاه زن در خانه و ساختار خانواده از نظر تعداد همسر</p>
	<p>تلفیقی از درونگرایی و بیرونگرایی، کمرنگ بودن نقش محرمیت، اهمیت نور آفتاب، به منظور ایجاد حداکثر روشنایی در فضای داخلی</p>
<p>فضای باز (حیاط)</p> <p>فضای بسته (اتاق‌ها)</p>	<p>اهمیت فراوان حیاط چه به لحاظ تناسبات فضایی و چه ارزش فضایی نسبت به فضاهای بسته خانه، مکانی ارزشمند برای تعامل افراد (خصوصاً زنان) و برقراری ارتباطات اجتماعی و برگزاری جشن‌ها</p>
	<p>تکریم مهمان، اختصاص دادن بزرگترین اتاق خانه به فضای مهمان، عدم رعایت محرمیت در سازماندهی عرصه‌های خصوصی و عمومی</p>
	<p>در مواردی عدم وجود فضای آشپزخانه، استفاده از تنور و آتش‌دان جهت تهیه غذا، اختصاص فضای آشپزخانه و تنور به حریم زنان و عدم حضور مردان در این فضاها</p>
<p>اتاق‌های انعطاف‌پذیر</p> <p>غذا خوردن</p> <p>خوابیدن</p> <p>فعالیت‌های روزمره</p>	<p>چند عملکردی بودن اتاق‌ها و عدم وجود فضای غذاخوری و فضای اختصاصی اتاق خواب برای تمام اعضای خانواده (پهن کردن سفره و رخت خواب در اتاق)</p>
	<p>پایین بودن ارتفاع سقف، نشستن روی زمین و تکیه دادن به دیوارها و یا متکا و پشتی، مفروش بودن کامل اتاق‌ها، کاربرد لبه پنجره به عنوان بخشی از مبلمان خانه</p>
<p>اتاق مهمان</p> <p>اتاق</p> <p>طاقچه</p> <p>گنجه</p>	<p>اولویت داشتن مهمان در کارکردهای درون خانه نسبت به سایر اعضای خانواده، تزئینات فراوان اتاق مهمان (فرش دستباف، رادیو و تلویزیون و ...) و سادگی و بی‌پیرایگی سایر اتاق‌ها</p>

تنور و آشپزخانه) ولی در کلیت فضاها، عرصه‌های عمومی و خصوصی (اتاق‌ها و اتاق مهمان) نه تنها تفکیک نشده‌اند، بلکه به دلیل ارتباط آن‌ها با یکدیگر، این مسئله رعایت نشده است و اکثر فضاها بعدی عمومی دارند.

۴- حیاط و آشپزخانه، به دلیل داشتن عملکردهای خاص و دسترسی آسان به سایر فضاها، بیشترین اتصال و کمترین کنترل را دارند. همچنین با توجه به اینکه مکان‌هایی برای تعاملات و برقراری روابط اجتماعی خصوصاً با همسایگان هستند، فضایی شاخص و مرکزی در خانه‌های این منطقه به شمار می‌آیند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Relative Asymmetry، وقتی تعداد زیادی از فضاها در یک عمق (عموماً عمق‌های پایین نسبت به ورودی اصلی) قرار داشته باشند، فضا هم‌پیوند محسوب می‌شود.

2. Alexander
3. Rapoport
4. Oliver
5. Hillier & Hanson
6. Schulz
7. Eco
8. Mercer

۹. Space Syntax یا روش چیدمان فضا، مجموعه‌ای از نظریه و روش‌هایی است که به تحلیل و توضیح سازمان فضایی براساس پیکره‌بندی و ترسیم گراف، می‌پردازد که می‌توان با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای ترسیمی مختلف به تشریح روابط در یک سیستم فضایی در قالب این روش دست یافت (Kwon & Sailer, 2015).

۱۰. در هر محله و همسایگی، سنگ آسیابی در یکی از خانه‌ها که معمولاً حیاط بزرگی داشته، وجود داشته است و به صورت مشترک توسط زنان محله از آن استفاده می‌شد.

11. Agherdan/ Averg

۱۲. «دیواخان» همیشه مستطیل شکل است، دو انتها الیه «بالا و پائین» دارد؛ مدخل دیوان نزدیک انتها الیه «پائین» است، پای دیوارها، دورتادور، تشک است برای نشستن و مخذه است برای تکیه دادن. (وان بروین سن ۱۳۷۸، ۱۱۱).

۱۳. در بعضی از خانه‌ها، اتاقکی ۲/۵*۱/۵ متر وجود داشت که در گوشه‌ای از آن یک مخزن آب استوانه‌ای شکل (کوچکتر از بشکه) گذاشته شده بود، آب داخل آن را به وسیله‌ای گرم می‌کردند. از گوشه‌ای از کف این اتاقک مجرای آبرویی به شکل بسیار ابتدایی به بیرون هدایت شده بود. به این اتاقک و این محل «شورتکه» می‌گفتند. اگر برای کسی ضرورتی پیش می‌آمد که آبی روی خود بریزد، غسلی انجام دهد، از این محل استفاده می‌کرد. نوعی حمام بسیار ابتدایی بود که به هیچ وجه نمی‌شد نام حمام روی آن نهاد (صمدی ۱۳۸۵، ۴۶).

۱۴. اطلاعات و داده‌های مصاحبه‌ای حاصل مشاهدات حضوری محقق و پرسش از ساکنان خانه‌ها می‌باشند. پرسش و پاسخ به شکل شفاهی و مصاحبه باز، به انجام رسید. محور اصلی پرسش‌ها نیز در رابطه با ساختار خانواده، تعداد همسر، نقش زن، اعتقادات (به طور غیرمستقیم)، شیوه‌ی معیشت، نوع روابط اجتماعی، محل تعاملات و ملاقات افراد و نوع فضاهای خانه و کاربرد هر یک از آنها، نحوه‌ی سازماندهی و جایگیری فضاها و علت آنها، نوع مصالح، رنگ و فرم و مبلمان استفاده شده بوده است.

15. Intimite

این خانه‌ها، امکان ارتباط ساکنان با حیاط و طبیعت را فراهم می‌آورد، در واقع حیاط همانند قلب خانه عمل نموده و گروه فضاهای بسته، با حیاط مرتبط می‌باشند، همچنین بام به عنوان یک مکان تعریف شده، فضایی مستقل برای تحقق عملکردها و ارتباط با همسایگان بوده است (ساکنین خانه‌ها، در مورد استفاده از بام جهت تعامل با همسایگان اذعان نموده‌اند که امروزه به دلیل گسترش محله و عدم شناخت همسایگان این امر به تدریج منسوخ شده است). اتاق‌ها از درون به هم راه داشته و در اندازه و تناسب با یکدیگر، متفاوتند. در این خانه‌ها، فضاها انعطاف‌پذیر بوده و به گونه‌ای هستند که امکان ایجاد تنوع‌های عملکردی در یک اتاق بسیار زیاد است. در خانه‌های سنتی، ساختار خانواده (از منظر تک همسری یا چند همسری، همچنین گسترش خانواده) به طور مستقیم بر ساختار فضایی و الگوی معماری خانه‌های این منطقه تأثیر گذار بوده است و بر اساس نتایج پژوهش، محرمیت در سازماندهی عرصه‌های خصوصی و عمومی این خانه‌ها، مسئله اصلی نیست و به دلیل کم‌رنگ بودن نقش محرمیت، سازماندهی عرصه‌های عمومی و خصوصی، به صورت سلسله‌مراتبی نبوده و بیشتر تابع عملکرد و موقعیت استقرار خود فضاها است. در واقع می‌توان گفت، هماهنگی‌ای که در خانه‌های ساده و حیاط‌دار قدیمی منطقه مویکریان دیده می‌شود، در شیوه‌ی ارتباطات و روابط اجتماعی مردمان این منطقه خلاصه می‌گردد. خانه‌های قدیمی این منطقه، همانند پایگاه نسبتاً ثابتی هستند که چندین نسل در آن‌ها زندگی کرده و در موارد زیادی همچنان زندگی می‌کنند و استمرار چندین نسل در یک خانه، آن را به حافظه‌ی عینی و مادی تبار و خاندان متصل می‌سازد. بدیهی است که امروزه، تفاوت در شیوه زندگی و سازمان فضایی خانه‌ها، با توسعه‌ی شهرنشینی و به واسطه حضور تکنولوژی و شرایط مدرنیته در مقایسه با گذشته بسیار مشهود است، همچنانکه توسعه و پیشرفت در تولید مصالح سازه‌ای، روش‌های ساخت، سیمای خانه‌ها و تکنیک اجرای ساختمان‌ها را در دستخوش تغییر نموده است.

در پاسخ به سؤال سوم در ارتباط با نحوه‌ی پیکره‌بندی فضایی خانه‌های سنتی این منطقه، با استناد به نمودارهای توجیهی، سازمان فضایی نمونه‌های انتخابی مورد بررسی قرار گرفت بر این مبنا می‌توان نتایج را چنین صورت‌بندی کرد:

۱- خانه‌های سنتی منطقه مویکریان به صورت حیاط‌دار بوده و به طور کلی فضاهای بسته در این خانه‌ها، به دلیل قرارگیری ورودی اصلی بر روی حیاط که فضایی بسیار عملکردی و با اهمیت در این خانه‌هاست و با توجه به اینکه محاسبه عمق فضاها از مبدأ (ورودی) سنجیده می‌شود دارای عمق کلی زیادی هستند.

۳- سازماندهی فضا در این خانه‌ها به گونه‌ایست که اکثر فضاها دارای عمق متوسط کم و به لحاظ فیزیکی در دسترس می‌باشند. بنابراین مسئله محرمیت در این خانه‌ها به واسطه فرهنگ خاص کردها، ساختار پیچیده‌ای دارد، به نحوی که در بعضی از فضاها تفکیک قلمرو زنان و مردان دیده می‌شود (مثلاً در فضای

۱۶. حمام در بعضی از خانه‌های قدیم وجود نداشته و در مواردی هم که بعداً به پلان این خانه‌ها اضافه شده است، به دلیل سهولت لوله کشی و استفاده از آبگرمکن و دسترسی به آب گرم، این فضا در گوشه‌ای از آشپزخانه ساخته شده است.

فهرست منابع و مراجع

۱. استراوس، آنسلم و کریین، جولیت (۱۳۹۲)، **مبانی پژوهش کیفی - فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۲. بنیانیان، حسن. (۱۳۸۶)، **فرهنگ توسعه در ایران**، خط مشی گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. پورجعفر، محمد رضا؛ رفیعیان، مجتبی و ارباب زادگان هاشمی، سید علیرضا. (۱۳۹۴)، «کندوکاوی در انگاره‌های فرهنگی قوم کرد جهت طراحی فضاهای شهری مطلوب»، **فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان شهر**، شماره ۱۵، سال هشتم، ۱۹۳-۱۸۱.
۴. تقوایی، مسعود و آکوچکیان، مهدی (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر سیستم شهری استان آذربایجان غربی، طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵»، **پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری**، شماره ۱۰، سال پنجم، ۶۶-۴۵.
۵. حمه‌جانی یوسف؛ بایزیدی، قادر و سبحانی، جلیل (۱۳۹۶)، «مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی»، **باغ نظر**، شماره ۵۷، ۶۲-۴۵.
۶. حیدری، علی اکبر؛ پیوسته گر، یعقوب؛ کیانی، مریم. (۱۳۹۵)، «سنجش میزان راندمان عملکردی فضا در انواع سازمان فضایی بناهای درمانی با استفاده از تکنیک نحو فضا»، **نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران**، شماره ۱۴۹، ۱۲-۱۶۲.
۷. خدادادی، محمد رضا؛ گرگانی، سید امیر حسین و کریمیان، اقبال. (۱۳۹۴)، **گونه‌شناسی مسکن روستایی استان کردستان**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
۸. راپاپورت، آموس (۱۳۹۰)، **فرهنگ، معماری و طراحی**، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیاپاشا، شلفین، تهران.
۹. راپاپورت، آموس (۱۳۹۲)، **انسان‌شناسی مسکن**، ترجمه خسرو افضلیان، مشهد: کتابکده کسری.
۱۰. راپاپورت، آموس. (۱۳۹۲)، **معنی محیط ساخته شده، رویکردی در ارتباط غیر کلامی**، ترجمه فرح حبیب، چاپ سوم، تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۱۱. رضایی، مسعود و کهزادیان، وحید. (۱۳۹۵)، «جستاری بر عوامل شکل دهنده معماری بومی منازل روستایی مطالعه موردی: روستاهای کوهستانی استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان»، **مطالعات هنر و علوم انسانی**، شماره ۱۰، سال دوم، ۶۴-۵۱.
۱۲. سالم، محمد دانا؛ حسن پور، فرامرز، دژدار، امید (۱۳۹۸)، «گونه‌شناسی کالبدی - ذهنی مسکن بومی مناطق غرب کردستان بر بنیاد نگره تاریخی - تکاملی (مدرسه موراتوری)»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۶۵، ۴۸-۳۳.
۱۳. شخصی، شیماء؛ فلامکی، محمد منصور و جواهری پور، مهرداد. (۱۳۹۶)، «معماری مسکونی امروز شهر تهران و پروبلماتیک فرهنگ از منظر جامعه شناختی»، **فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، شماره ۹ (۲)، ۱۰۶-۸۵.
۱۴. صمدی، سید محمد (۱۳۸۵)، **مهاباد در گذر زمان**، مهاباد: رهرو مهاباد.
۱۵. کمالی پور، حسام؛ معاریان، غلامحسین؛ فیضی، محسن و موسویان، محمدفرید (۱۳۹۱)، «ترکیب شکلی و پیکره‌بندی فضایی در مسکن

- بومی: مقایسه تطبیقی عرصه‌بندی فضای مهمان در خانه‌های سنتی کرمان»، **فصلنامه مسکن و محیط روستا**، دوره ۳۱، شماره ۱۳۸، ۱۶-۳.
۱۶. کیانی، مهدخت؛ سلطان‌زاده، حسین و حیدری، علی اکبر (۱۳۹۸)، «سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا (مطالعه موردی: خانه‌های شهر قزوین)»، **باغ نظر**، شماره ۱۶.
۱۷. گروتز، یورگ (۱۳۸۶)، **زیبایی‌شناسی در معماری**، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و علیرضا همایون، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۸. گلابی، بایزید؛ بایزیدی، قادر؛ طهماسبی، ارسلان و سبحانی، جلیل. (۱۳۹۷)، «کاوش عمیق معنای خانه بومی به روش پدیدارشناسی (مورد مطالعه: خانه روستایی منطقه موکریان ایران)»، **پژوهش‌های روستایی**، شماره ۴، ۶۶۱-۶۴۶.
۱۹. لنگ، جان (۱۳۸۱)، **آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط**، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۰. عزیزی، شادی؛ دلپذیر، علیرضا و مقدم، سارا (۱۳۹۱)، «انسان‌شناسی فرهنگی، وسیله‌ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری»، **هویت شهر**، شماره ۱۲، سال ششم، ۷۰-۶۱.
۲۱. قرنجیک، عبدالمجید و بدری، سیدعلی (۱۳۹۳)، «بررسی ارتباط میان ویژگی‌های قومی - فرهنگی و شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی مطالعه موردی: دهستان جعفریای جنوبی شهرستان ترکمن»، **نشریه مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۶، سال سی و سوم، ۵۸-۴۳.
۲۲. مدنی پور، علی (۱۳۸۹)، **فضاهای عمومی و خصوصی شهر**، مترجم نوریان فرشاد، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۳. معاریان، غلامحسین (۱۳۸۱)، «نحو فضای معماری»، **نشریه صفا**، دوره ۱۲، شماره ۳۵، ۸۳-۷۵.
۲۴. مظاهری، مجتبی؛ دژاژ، امید؛ موسوی، جلال (۱۳۹۷)، «تحلیل نقش حیاط در ساختار فضایی خانه‌های ایرانی با بهره‌گیری از روش نحو فضا»، **هویت شهر**، شماره ۳۴، سال ۱۲، ۹۷-۱۰۸.
۲۵. مولانایی، صلاح‌الدین و سلیمانی، سارا (۱۳۹۵)، «بازشناخت مولفه‌های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور، نمونه موردی: اورامان کردستان»، **آرمان شهر**، شماره ۱۷، ۱۲۷-۱۱۵.
۲۶. نجار نجفی، الناز (۱۳۹۴)، **ساختن و ساخته‌شدن: بازنگری در مفهوم فرهنگ و نسبت آن با معماری**، رساله دکتری، دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی.
۲۷. ویسی، صلاح‌الدین (۱۳۸۷)، «جستجوی معیارهایی برای تهیه الگوی مسکن روستایی استان کردستان (میدان مطالعه: شهرستان‌های دیواندره - بیجار)»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۲۴، ۳۹-۲۶.
۲۸. هاشم‌نژاد، هاشم؛ مولانایی، صلاح‌الدین (۱۳۸۷)، «معماری بانگامی به آسمان، سکونتگاه‌های روستایی - ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگرس (منطقه کردستان)»، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۳۶، ۲۶-۱۷.
۲۹. یزدانفر، عباس، حسینی، باقر و زرودی، مصطفی (۱۳۹۲)، «فرهنگ و شکل خانه، مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان - تنکابن و رامسر»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۴، سال سی و دوم، ۳۲-۱۷.

30. Adeokun, C. (2013). The Orowa House: A Typology Of Traditional Yoruba Architecture In Ileife, Nigeria. Waber 2013 Conference, Accra, Ghana: 1131-1146
31. Alexander, C. (1964). Notes on a Synthesis of form. Cambridge: MA, Harvard University press.

51. Soaita, A. M., & Dewilde, C. (2019). A Critical-Realist View Of Housing Quality within The Post Communist EU States: Progressing Towards A Middle-Range Explanation. *Housing, Theory and Society*, Volume 36(1): 44-75.
52. Summers, A, (2015), Cultural cognitive differences in the spatial design of three-dimensional game environments, *Proceedings of the 10th International Space Syntax Symposium*. London. p 126.1-126.11
53. Yu, R., & Ostwald, M. (2018). Spatio-visual experience of movement through the Yuyuan Garden: A computational analysis based on isovists and visibility graphs. *Frontiers of Architectural Research*, -7(4), 497-509. doi: 10.1016/j.foar.2018.08.0
54. Werner, C.M, Altman, I. & Oxley, D. (1986). Temporal aspects of homes: A transactional perspective In *Home Environments*. New York and London: Plenum press.
55. Allwood, J. (1990). On the Role of Cultural Content and Cultural Context. In *Language Instruction*. Gothenburg Papers in Theoretical Linguistics, 5(17), Germany: University of Göteborg.
56. Bella, T.(2013), Gender and Zones of Users in Traditional Berber M'zab Houses. *International Journal of Humanities and Social Science*, Vol. 3 No. 19;
57. Clarissa, A & Lorenzo, M. (2016). Filipino culture of filling up space in a gated community. *Social and Behavioral Sciences*, Volume 216: 545 – 551.
58. Eriksen, T. H. (2001). *Small Places, Large Issues: An Introduction to Social Anthropology*. London: Pluto Press.
59. Fladd, S. (2017). Social syntax: An approach to spatial modification through the reworking of space syntax for archaeological applications. *Journal of Anthropological Archaeology*, 47, 127-138. doi: 10.1016/j.jaa.2017.05.002.
60. Hillier, B. (2007). *Space is the machine: A configurational theory of architecture*, Space syntax. London, UK.
61. Hollway, W. and Jefferson, T. (2002). *Doing Qualitative Research Differently*. London: Sage Publications.
62. Kwon. S. & Sailer, K. (2015). Seeing and being seen inside a museum and a department store, A comparison study in visibility and co-presence patterns. In *Proceedings of the 10th International Space syntax Symposium*, London.
63. Miller, B. D. (2004). *Cultural Anthropology*, Second Edition. New York: Allyn & Bacon.
64. Mustafa, F. (2010). Using space syntax analysis in detecting privacy: a comparative study of traditional and modern house layouts in Erbil city, Iraq. *Asian Social Science*, 6(8). doi: 10.5539/ass.v6n8p157.
65. Oliver, P. (1975). *shelter sign and symbol*. London: Barrie & Redcliff.
66. Nilufar, F., & Eshika, P. (2015). Searching the genotypes Architectural morphology of urban houses in the ancient city of Panam. Paper presented at the SSS10 *Proceedings of the 10th International Space Syntax Symposium*, London.
67. Omar, E., Endut, E., & Saruwono, M. (2012). Before and After: Comparative Analysis of Modified Terrace House. *Procedia - Social And Behavioral Sciences*, 36, 158-165. doi: 10.1016/j.sbspro.2012.03.018.
68. Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture* (Foundations of Cultural Geography Series). Englewood Cliffs: Prentice Hal.
69. Rapoport, A. (1982). *Housing and identity: cross-culture perspectives*. New York: Holmes and Meier.
70. Rapoport, A. (1998). *Using Culture in Housing Design*. University of Wisconsin. USA: Milwaukee.
71. Rapoport, A. (2000). *Theory, Culture and Housing*. *Housing, Theory and Society*. Volume 17(4): 145-165.
72. Rapoport, A. (2005). *Culture architecture and design*. Locke science publishing company, Inc.
73. Ruonavaara, H. (2018). *Theory Of Housing, From Housing, About Housing*. *Housing, Theory and Society*, Volume 35(2): 178-192.

Cultural Analysis of Space in In Kurdish Residential Architecture Case Study: Traditional Houses in Mukrian (The City of Sardasht)

Elham Rashidzadeh *(Corresponding Author)

1Department of Architecture, Sardasht Branch, Islamic Azad University, Sardasht, Iran.

* E-Mail: r.elham@ymail.com

Foad Habibi

2Department of Social Sciences, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Abstract:

Space is one of the most important architectural issue whose form, structure and organization are directly related to culture. In fact, the aspects and components of culture in the built environment are appear in the form of space. It can be said that architecture organizes the social and cultural laws inherent in customs and habits through the language of physical appearance and space. Therefore, the way of organization, order and type of spaces, in addition to representing the cultural background and identity of residents, also affects the social structure of the user of the space. The main purpose of this study is investigateting the nature of residential architecture in the region of Kurdistan Makri (Mokrian), with emphasis on the characteristics and features of the architectural space and how it is organized and arranged from the perspective of culture. To achieve this goal, using a qualitative method of ethnography, the totality of Kurdish culture is based on more tangible variables that affect the architectural space (lifestyle, family structure, gender role (status of women), privacy and the process of social relations) in the relationship with the shape of houses has been investigated. Architectural data collection (planning, sketching and photography) using the field method in relation to the shape of traditional houses (urban houses) in Sardasht, located in northwestern Iran, as a general example and studies of urban housing and verancular architecture The Kurdish region of Mokrian has been done. Therefore, in order to analyze the spatial structure, the space layout pattern and their diagram were drawn using Agraph software. Then, the correlation indices, Relative Asymmetry, Mean depth Cv (control) of the spaces were analyzed using mathematical relationships of spacetime for each sample. The general results of the research show that the traditional architecture of Mokrian region is a combination of introverted and extroverted architecture. In the urban houses of this region, the issue of privacy has a complex structure due to the specific culture of the Kurds, and most of the spaces have a public dimension. The status and position of women in the house and family system in terms of the number of spouses is very important in the way of space organization that reflects behaviors derived from their culture, local customs and social structure.

Keywords: space, Kurdish culture, house, space syntax, traditional houses(urban houses).